

سیاستهای تکراری

مرجان افتخاری

ما در جهانی بشدت نابرابر زندگی می کنیم، همانطور که جنگها قربانیان خود را از محرومان جامعه می گیرد، تلفات و ویرانی های حوادث طبیعی هم نا برابریها و بی عدالتیهای جامعه طبقاتی را عریان تر می کنند.

از اولین روزهای فروردین ماه امسال سیل ویرانگر در چندین استان کشور منجر به کشته شدن تعدادی از مردم و ویرانی خانه و کاشانه بسیاری از محرومان بویژه در استان خوزستان شده است. سیل باعث خرابی راه های ارتباطی، زمینهای کشاورزی، رانش زمین، ریزش کوه و ویرانی های محیط زیستی مهمی شد. سیلی با این وسعت در ایران تنها ناشی از تغییرات آب و هوایی و گرمایش زمین نیست. سیاستهای جمهوری اسلامی، جنگلخواری در مناطق شمالی، خاک برداری، جاده سازی در مسیر طبیعی رودخانه ها، ساختن سدها متعدد بر روی رودخانه های بزرگ که باعث خشک شدن دریاچه ارومیه، زاینده رود، خشک شدن رودخانه های کوچک دیگر و پایین آمدن سطح آب کارون شد ناشی از سیاستهایی این رژیم و سپاه پاسداران ارگان ایدئولوژیک، نظامی، سیاسی و اقتصادی آن است.

رها کردن مردم دست خالی در برابر سیل، ممانعت از کمک رسانی مردمی، دستگیری فعالین مردمی و غارت کمکهای داخلی و خارجی سیاست دیگری است که در زلزله رودبار و منجیل در خرداد ماه سال 1369، زلزله بم در دی ماه سال 1382، و زلزله کرمانشاه در آذر ماه سال 1397 این بار هم تکرار شد.

اما سیل ویرانگر امسال با مانورها و اعلام موضعها دونالد ترامپ رئیس جمهور امپریالیسم آمریکا و قرار دادن سپاه پاسداران در لیست گروه های تروریستی همزمان شد. این تصمیم را در ادامه خروج یک جانبه آمریکا از برجام، ادامه و تشدید تحریمهای اقتصادی، بانکی، ارزی و سپس کنفراسن و رشو در بهمن ماه گذشته با شرکت مایک پمپئو وزیر امور خارجه آمریکا به منظور مقابله با نفوذ جمهوری اسلامی در منطقه خاورمیانه باید مورد بررسی قرار داد.

سئوالی که مطرح است اهداف امپریالیسم آمریکا در منطقه ژئوپولتیکی خاورمیانه و در برابر جمهوری اسلامی چیست؟ آیا شاهد جنگ و آنگونه که تبلیغ می شود سوریه ای کردن ایران در دستور کار است؟ یا طرح تغییر رژیم از بالا و یا ساده تر رام کردن و معامله با آن مورد نظر است.

درست است که جنگ طلبی و کودتا خصلت امپریالیستی آمریکا و نئولیبرالهای این کشور است. اما تجربه آمریکا از جنگ و اشغال عراق و افغانستان، هزینه های سنگین نظامی، انسانی و آشفته کردن دائمی منطقه خاورمیانه پیش بینی جنگ دیگری آنهم در ایران را منتفی میکند. در ضمن با تغییر در سیاست

عربستان سعودی، ثروت مند ترین کشور منطقه که تا بیخ دندان از سوی آمریکا و فرانسه مسلخ شده و مصر در برابر اسرائیل ضرورت آشفته کردن منطقه از سوی امپریالیسم آمریکا را بسیار ضعیف میکند. الحاق بلندیهای گلان به اسرائیل (1) بدون واکنشی جدی از سوی کشورهای عربی چرخش سیاسی کشورهای منطقه را نشان میدهد.

سیاست فعلی و هدف آمریکا در برابر جمهوری اسلامی بیشتر به سیاست آن در برابر کره شمالی نزدیک است. یعنی فشار های اقتصادی، سیاسی، و بالاخره رام کردن و کشاندن آن به مصالحه.

تنها تفاوت های اقتصادی کره شمالی با ایران در صادرات نفت، بالا رفتن قیمت نفت و قدرت نیروی نظامی جمهوری اسلامی "سپاه پاسداران" در منطقه است که فشارهای امپریالیسم آمریکا را برای رسیدن به این هدف مشکل تر میکند.

امپریالیسم آمریکا "طرح مرحله ای" فشارها بر جمهوری اسلامی را در پیش گرفته است. خروج از برجام (2) تحریم های بیشتر اقتصادی، کنفرانس ورشو، دیدارها و مذاکرات با جناحهایی از اپوزیسیون ایرانی و امروز با اضافه کردن سپاه پاسداران به لیست تروریستها و بستن حسابها اینستاگرام و انترنت سران سپاه و جمهوری اسلامی در حال پیشبرد "طرح مرحله ای" است.

کشورهای دیگر چین و بخصوص روسیه که دوش به دوش سپاه در سوریه همکاریهای نظامی داشت در برابر اعلام افزودن سپاه پاسداران به لیست گروه های تروریستی سکوت کرده اند.

سپاه پاسداران که از همان سالهای اول پس از بهمن 57 تشکیل شد یک نیروی نظامی و اطلاعاتی برای سرکوب داخلی بود. در اوایل دهه 60، دهه ترور و کشتار که هنوز وزارت اطلاعات شکل نگرفته بود، سپاه و نیروهای ضربت آن در کمیته مشترک که به بند 3000 معروف بود نقش مهمی در دستگیریها سازمان یافته، بازجویی ها و شکنجه ها داشت. در خارج از کشور هم ترور شاهپور بختیار، رهبران کورد در برلین و ترور های دیگر در آرژانتین و لندن زیر نظر سپاه و وزارت اطلاعات صورت گرفت .

در سالهای پس از جنگ سپاه پاسداران به یک جریان سیاسی، اقتصادی، نظامی و اطلاعاتی تبدیل شد. اشغال نظامی عراق توسط آمریکا و دیگر کشورهای امپریالیستی در سال 2003 موقعیت های نظامی و سیاسی مناسبی برای سپاه پاسداران در این کشور فراهم کرد. با دامن زدن به اختلافات مذهبی و قومی بمب گذاریها و از همه مهمتر سازماندهی شبه نظامیان "نیرویهای قدس و بدر" در عراق عملاً به یک نیروی مهم نظامی در عراق و منطقه تبدیل شد. در کنار نظامیگری با سرمایه گذاریهای گسترده اقتصادی در شهرهای شیعه نشین کربلا و نجف پایگاه جمهوری اسلامی در عراق هر چه بیشتر تقویت شد. بطوریکه امروز دولت عراق در برابر این قدرت احساس درماندگی می کند.

پس از خیزش عربی در 2011 بار یگر فرصتهایی برای سپاه پاسداران فراهم شد تا موقعیت نظامی و سیاسی خود را در سوریه و در منطقه محکم تر کند. در این سالها تمام کشورهای بزرگ سرمایه داری غرب در برابر نظامی گری، دخالتهای جمهوری اسلامی و سپاه پاسداران سکوت کردند. زیرا در جریان جنگ در سوریه که به ویرانه ای تبدیل شد با هزاران کشته و میلیونها آواره در ترکیه و لبنان، منافع کشورهای سرمایه داری دامن زدن به این جنگ برای فروش هواپیماهای جنگی، انواع اسلحه و کلا میلیتاریزه کردن هر چه بیشتر کشورهای ارتجاعی منطقه بود.

تنها در سال 2016 دولت اوباما 115 میلیارد دلار اسلحه به عربستان سعودی فروخت و دولت ترامپ قرار داد 110 میلیارد دلاری تجهیزات نظامی را امضاء کرد. (3) و (4)

فرانسه در سالهای 2013، 2014، 2015 و 2016 به ترتیب 1.9 میلیارد، 3.6 میلیارد، 193.5 میلیون و 764 میلیون یورو اسلحه به عربستان سعودی فروخت. در سال 2015 توانست 24 هواپیمای جنگی به ارزش 2,5 میلیارد یورو به مصر بفروشد. دیگر کشورهای اروپایی هم بین سالهای 2001 تا 2015 57 میلیارد یورو اسلحه به عربستان سعودی فروختند (5) و (6)

به این ترتیب با فشاری بر ادامه جنگ در سوریه از سوی آمریکا، فرانسه و روسیه که موقعیت خود را در بندر تراتوس « Taratous » حفظ کرد ضرورتی نداشت. در همین راستا وزیر امور خارجه روسیه در هفته پیش خروج نیروهای نظامی خود را از سوریه اعلام کرد. از اوایل سال گذشته زمینه ها و شرایط برای اجرای "طرح مرحله ای" با خروج یک جانبه آمریکا از برجام آماده شد.

جمهوری اسلامی که بیش از هر زمان دیگر در برابر فشار و اعتراضات مردم محروم بویژه سیل زدگان در مانده است و بدلیل فشارهای خارجی توان ریزنی های خود را از دست داده، مانند همیشه سیاست سرکوب، ایجاد ترس و هراس و تبلیغات دروغین را در پیش گرفته است. با توجه به تجربه خیزش دی ماه 96، و اوج گیری مبارزات کارگری بخصوص در خوزستان، مبارزات معلمان، دانشجویان و زنان این بار جمهوری اسلامی برای سرکوب مردم نیروهای نظامی خارجی "شاخه های نظامی سپاه" در عراق، حشد الشعبی، فاطمیون افغانی، حزب الله لبنان و زینبیون پاکستانی را به کمک گرفته است.

اما آوردن نیروهای ارتجاعی نظامی خارجی تنها برای سرکوب داخلی نیست. هدف دیگر جمهوری اسلامی نمایش قدرت نظامی و گستردگی آن در کشورهای همسایه و منطقه است. در واقع نمایشی است از اتحاد و همبستگی جریانهای و گروه های نظامی مختلف تحت فرماندهی سپاه پاسداران. اگر چه احتمال جنگ دیگری خیلی دور به نظر میرسد ولی ماجرا جویی های جمهوری اسلامی در تنگه هرمز، کشورهای عربی اطراف خلیج فارس، حتی در بلندیهای گلان و اسرائیل می تواند به تنشهای نظامی و سیاسی تبدیل شوند.

جنگ 8 ساله ایران و عراق، تحلیل ها و موضعگیریهای سازمانهای سیاسی و احساسات ناسیونالیستی آنها باید تجربه گران بهایی به ما داده باشد. امروز چهل سال از عمر نکبتبار جمهوری اسلامی و سیاستهای آن می گذرد. در این چهل سال جمهوری اسلامی و تمام ارگانهای نظامی و غیر نظامی آن سه سیاست را پیش بردند.

اول: غارت منابع، ثروتها و دارایی های مالی، دزدیهای کلان و آسیب ساختارهای اقتصادی که نتیجه آن چیزی به غیر از بیکاری، فقر و تهیدستی بی سابقه کارگران، کشاورزان، معلمان، باز نشستهگان و تمام محرمان جامعه نیست. در صد بالایی از مردم در فقر، گرسنگی و درماندگی به حال خود رها شده اند نتیجه سیاستهای غارت جویانه و اختصاص در آمدها به دستگاههای سرکوب ارتش، سپاه، نهادهای مختلف انتظامی و همچنین ارگانهای گوناگون مذهبی و فرهنگ اسلامی در داخل و خارج است.

دوم: از همان روزهای اول درست پس از بهمن 57، سرکوب سیستماتیک، زندان، اعدام و کشتار سیاست و امر دائمی رژیم جمهوری اسلامی شد. به این منظور ارگانهای مختلف، انجمن های اسلامی، بسیج، سپاه پاسداران، وزارت اطلاعات و گشتهای مختلف سرکوب بسرعت سازماندهی شدند. اعدامها، کشتار هزاران زندانی سیاسی در دهه 60، زندانی کردن کارگران، معلمان، زنان، دانشجویان، فعالین محیط زیست، نویسندگان، روزنامه نگاران و هر مخالف دیگری گستردگی ابعاد سرکوب در جامعه است.

سوم: تشکیل و سازماندهی نیروهای نظامی و شبه نظامی برون مرزی در کشورهای همسایه افغانستان و عراق، در فلسطین، لبنان، سوریه، بحرین و یمن. کمی دور تر در کشورهای آفریقایی سودان، سومالی، نیجریه و مالی. سیاست جمهوری اسلامی در خارج از مرزها تنها سرمایه گذاریهای اقتصادی در این کشورها نیست. گسترش نفوذ سیاسی، نظامی و ایدئولوژیک "صدور انقلاب اسلامی خمینی" و مطرح شدن بعنوان یک قدرت بزرگ است. آنچه در افغانستان، عراق، جنوب لبنان و چند سالی است که در سوریه جریان دارد خطوط کلی سیاستهای برون مرزی جمهوری اسلامی را روشن میکند.

در برابر دو جریان تروریستی امپریالیسم آمریکا و جمهوری اسلامی چه باید کرد؟

جمهوری اسلامی و سپاه پاسداران آن به همان اندازه ترویست هستند که امپریالیسم آمریکا. فراموش نکنیم که جمهوری اسلامی محصول تصمیم گیری چهار کشور بزرگ سرمایه داری در کنفرانس معروف گوادلوپ در دی ماه سال 57 است. هر دو آنها قدرت طلب، جنگ طلب، توسعه طلب و تروریست پرور هستند. لازم به بر شمردن جنایات آمریکا در سراسر جهان، هر جایی که مردم برای آزادی، برابری و عدالت اجتماعی بپا خاستند نیست. جنگ سی ساله در ویتنام و جنایات آن تنها یک نمونه است. بطور خلاصه القاعده، طالبان و داعش با کمکهای مالی و نظامی امپریالیسم آمریکا و انگلیس بوجود آمدند. سپاه قدس، بدر، حزب الله، حوثی ها یمن هم با کمک های مالی و نظامی جمهوری اسلامی سازماندهی شده اند.

وظیفه ما بعنوان نیروهای مارکسیستی دفاع از یک جریان تروریستی در برابر دیگری نیست. وظیفه و مسئولیت ما بر عکس فدائیان اکثریت، حزب توده و نهضت آزادی در کنار جمهوری اسلامی قرار گرفتن و بیانیه های "افزایش تنش" صادر کردن نیست. وظیفه ما مانند سازمان مافیایی مجاهدین خلق که روی دیگر جمهوری اسلامی است به همراه حزب دمکرات کردستان شادی و کوبیدن بر طبل جنگ هم نیست.

وظیفه ما دفاع و همبستگی از مبارزات کارگران، تهیدستان و محرمان در پیشبرد امر مبارزه طبقاتی برای سرنگونی جمهوری اسلامی و آلترناتیو شورایی است. وظیفه ما همبستگی و کمک رسانی به میلیونها سیل زده است که سر پناه حقیر خود را از دست داده اند. وظیفه ما دفاع از مبارزات معلمان و زنان این سرکوب شدگان تاریخی و آزادی هزاران زندانی سیاسی در زندانها است.

همانگونه که ما کمترین دخالت و نقشی در جنگ ارتجاعی 8 ساله، جنگها و تنش های دیگر در منطقه و تشکیل گروه های نظامی یا تروریستی نداشتیم، امروز هم کمترین وظیفه ای در دفاع از ارتجاع منطقه، سیاست های جمهوری اسلامی، منفعت طلبی و قدرت طلبی امپریالیسم آمریکا و شرکا نداریم.

- 1- <https://www.vox.com/world/2019/3/21/18276101/trump-israel-netanyahu-golan-heights>
- 2- <http://www.bbc.com/persian/iran-44046111>
- 3- <https://www.reuters.com/article/us-usa-saudi-security/obama-administration-arms-sales-offers-to-saudi-top-115-billion-report-idUSKCN11D2JQ>
- 4- <https://www.journaldemontreal.com/2018/10/11/khashoggi-trump-ne-compte-pas-reduire-les-ventes-darmes-a-larabie-saoudite>
- 5- https://www.lemonde.fr/yemen/article/2018/10/01/ventes-d-armes-a-l-arabie-saoudite-le-timide-embarras-des-pays-europeens_5362768_1667193.html
- 6- https://www.lemonde.fr/economie/article/2015/02/16/le-contrat-de-vente-du-rafale-a-l-egypte-en-cinq-questions_4577395_3234.html